

A Comparative Study of the Development-oriented Approach of upstream Documents of Education in Iran and Japan with an Emphasis on Social Development

Mahshid Bastani Pourmoghaddam¹, Hossein Ali Nozari², Reza Shirzadi^{3*}

1. Ph.D. Student in International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

(Received: February 21, 2021; Accepted: May 23 2021)

Abstract

The purpose of this study is to compare the development-oriented approach in Iranian and Japanese upstream education documents with emphasis on social development components. The method of this research is content analysis with a comparative approach and documentary study. In other words, this study examines social development indicators and components as one of the most important elements of sustainable development in the provisions of educational policy making documents of Iran and Japan. The community of the study is taken purposefully from the national transformation policies and educational reforms of the two countries. The method and tool for collecting the required data were receipts, checklists and researcher-made forms. In this research, first the macro-development policies and then the central social development policies in each of the documents were examined. The research findings show that in the upstream documents of Iran and Japan, educational policies focusing on social development have been given special attention and the key components and standards of international scientific, educational and cultural organizations in the field of social development have been considered, and in both cases this amount has been highly credible; However, Japanese documents are more transparent in the use of concepts, components and elements of vocabulary related to social development and its examples, and consider more concrete operational strategies to achieve social development.

Keywords: Development, Education, Social development, Sustainable development, Upstream documents.

* Corresponding Author, Email: Shirzad2020@yahoo.com

بررسی تطبیقی رویکرد توسعه محور اسناد فرادستی آموزش و پرورش ایران و ژاپن با تأکید بر محور توسعه اجتماعی

مهشید باستانی پورمقدم^۱، حسینعلی نوزری^۲، رضا شیرزادی^{۳*}

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تطبیقی رویکرد توسعه محور در اسناد فرادستی آموزش و پرورش ایران و ژاپن با تأکید بر مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است. روش این پژوهش تحلیل محتوا با رویکرد تطبیقی و بررسی اسنادی است. به بیان دیگر، در این تحقیق به بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر توسعه پایدار در مفاد اسناد سیاستگذاری آموزش و پرورش ایران و ژاپن پرداخته شده است. جامعه مورد مطالعه اسناد فرادستی آموزش و پرورش دو کشور از سیاست‌های ملی تحولی و اصلاحات آموزش و پرورش کشورهای مزبور به صورت نمونه هدفمند برای مطالعه و تحقیق انتخاب شده است. نحوه و ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش، فیش، چک‌لیست و فرم‌های محقق ساخته بوده است. در طول تحقیق ابتدا سیاست‌های کلان توسعه محور، سپس، سیاست‌های محوری توسعه اجتماعی در هریک از اسناد، بررسی شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد؛ در اسناد فرادستی این دو کشور، سیاست‌های تربیتی و آموزشی با محوریت توسعه اجتماعی مورد توجه خاص بوده و به مؤلفه‌های کلیدی و استاندارد سازمان‌های بین‌المللی علمی آموزشی فرهنگی در بعد توسعه اجتماعی نیز توجه شده، و در هر دو سند این میزان از اعتبار بالایی برخوردار بوده؛ لکن اسناد ژاپن شفافیت بیشتری در استفاده از مفاهیم و مؤلفه‌ها و عناصر واژگان مرتبط با توسعه اجتماعی و مصادیق آن داشته و راهکارهای عملیاتی ملموس‌تری برای دستیابی به توسعه اجتماعی را مد نظر قرار داده است.

واژگان کلیدی: اسناد فرادستی، آموزش و پرورش، توسعه اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه.

مقدمه

در نظام‌های آموزشی جهان رویکردهای متفاوت و متنوعی در خصوص توسعه در جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن وجود دارد. هر جامعه مسئولیت‌های سنگینی در راستای دستیابی به توسعه پایدار و همه‌جانبه بر عهده دارد. از طرفی، یکی از کارکردها و وظایف مهم آموزش و پرورش هر کشور یا هر جامعه ایجاد اساس و زیربنای حرکت در مسیر توسعه است. تربیت و آموزش نحوه مواجهه با بحران‌های اجتماعی، نحوه دستیابی به رفاه اجتماعی، حفظ، انتقال و توسعه میراث فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و تبیین مبانی سازگاری اجتماعی، بهزیستی انسان‌ها، تأمین زندگی با کیفیت و سعادتمندانه و رفاه همگانی، توزیع عادلانه مواهب اجتماعی، ارزش‌گذاری درست و شایسته، مبانی حکمرانی خوب، رعایت حقوق شهروندی، دموکراسی، جامعه مدنی، قانونگرایی و قانونمداری و کوشش در ایجاد پایه‌های تفاهم ملی و بین‌المللی از جمله آموزش‌های صحیح و اصولی در مسیر توسعه محسوب می‌شود. همچنین، مبنای هر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، توسعه منابع انسانی است و این امر یکی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش و پرورش تلقی می‌شود. بنابراین، دو مقوله مهم یکی مفاهیم و شاخص‌های توسعه اجتماعی و یک مقوله دیگر این انسانی که باید آن‌ها را بیاموزد، در این مقاله مورد توجه است. همین موضوع اهمیت این تحقیق و پژوهش را در راستای اتخاذ رویکرد توسعه‌محور در اسناد سیاستی آموزش و پرورش نمایان می‌کند. از طرفی، این پژوهش جنبه نوآورانه دارد، چرا که مؤلفه‌های توسعه و خصوصاً توسعه پایدار را در کشوری چون ژاپن با نظام آموزشی پیشرو با مؤلفه‌های مشابه در اسناد تحولی کشورمان مقایسه می‌کند و تاکنون چنین تحقیقی در این اسناد صورت نگرفته است. با توجه به اینکه اتخاذ رویکرد توسعه‌محور در این برهه از زمان که شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان متولی کار در حال ترمیم و اصلاح و بروزآوری اسناد فرادستی آموزش و پرورش است، ضرورت بررسی مقایسه‌ای به منظور یافتن افتراقات و اشتراکات در این اسناد سیاستگذاری فرادستی و سیاست‌های کلان نظام آموزشی پیشرو با مؤلفه‌های توسعه‌محور در کشورمان بیش از پیش مشخص می‌شود. بنابراین، برای یافتن نقاط افتراق و اشتراک در اسناد سیاستگذاری کلان آموزش و پرورش در زمینه رویکرد توسعه‌محور با

تأکید بر توسعه اجتماعی صورت بپذیرد؛ باید تحقیق کنیم و بیابیم که چه مفاهیمی را به فرزندانمان بیاموزیم تا توسعه اجتماعی به طور ریشه‌ای و بنیادی و اساسی در جامعه رشد و نمو یابد. در عصر جدید ابعاد اجتماعی آموزش و پرورش در ترقی ملت‌ها توجه دولت‌ها را بیشتر از قبل به خود معطوف کرده و در نتیجه، دولت‌ها و بالتبع متولیان و سیاستگذاران کلان آموزش و پرورش تلاش می‌کنند؛ هم در تدوین سیاست‌های کلان و هم در اجرای آن سیاست‌ها به مباحث توسعه‌ای خصوصاً توسعه اجتماعی توجه بیشتری نشان دهند. در حقیقت، یکی از شاخص‌های اساسی برای تعیین میزان کارآمدی و اثربخشی نظام آموزشی کشورها، سیاستگذاری صحیح در راستای تعلیم و تربیت همه‌جانبه است (طالبی، سیدنظری و سودی، ۱۳۹۶). چراکه در واقع، با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در راستای سیاست‌های آموزشی و تربیتی درست تدوین شده در نظام آموزش و پرورش می‌توان فرایندهایی را در جامعه پایه‌گذاری کرد که به بهره‌گیری درست از امکانات و منابع کشور برای استفاده مطلوب در زندگی منجر شود. بنابراین، بخش عمده موفقیت‌ها در دستیابی به شاخص‌های توسعه اجتماعی و در نهایت، توسعه پایدار منوط به سیاستگذاری صحیح و آینده‌نگر در زمینه شاخص‌های مذکور بر پایه مکاتب ارزشی و فکری و جهان‌بینی هر کشور است.

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رویکرد توسعه‌محور در اسناد بالادستی (متن سیاست‌های کلان آموزش و پرورش دو کشور) با تأکید بر مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است.

هدف فرعی تحقیق بررسی تطبیقی عناصر و شاخص‌های توسعه‌محور با تأکید بر توسعه اجتماعی و مصادیق آن (افتراقات و اشتراکات) در اسناد سیاستی آموزش و پرورش دو کشور است. بر اساس اهداف پژوهش پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر است.

➤ آیا در محتوای سیاست‌های تحولی آموزش و پرورش دو کشور رویکردی به سیاست‌های

توسعه‌ای با تأکید بر توسعه اجتماعی وجود دارد؟

و پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. نقاط افتراق در سیاست‌های توسعه‌محور با تأکید بر توسعه اجتماعی اسناد فرادستی آموزش

و پرورش ایران و ژاپن چیست؟

۲. نقاط اشتراک در سیاست‌های توسعه‌محور با تأکید بر توسعه اجتماعی اسناد فرادستی آموزش و پرورش ایران و ژاپن چیست؟

پیشینه پژوهش

تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص از دهه ۱۹۶۰ به بعد، توسعه به عنوان هدف اصلی برای کشورهای غیر غربی مطرح شد. بدین ترتیب در جهت سیاستگذاری توسعه دو رویکرد کلی مد نظر قرار گرفت؛ رویکردی که در کشورهای پیشرفته به وقوع پیوست و نقش جامعه و طبقات و گروه‌های اجتماعی را در مسیر توسعه در اولویت دانست و رویکرد دیگر که به طور ویژه برای کشورهای جهان سوم کارا تر بود و بر اساس آن، از آنجا که سطح اجتماعی و سیاسی در این جوامع به بلوغ نرسیده، نقش دولت را برای راهبری و مدیریت توسعه دارای اولویت دانست (سریع‌القلم، ۱۳۹۲، ص ۲۹). در موضوع توسعه، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن به توسعه پایدار، به خصوص در راستای توسعه اجتماعی سازماندهی ساختار اجتماعی متفاوتی لازم است. به گونه‌ای که تمام نیروهای اجتماعی در این ساختار پیش‌بینی شود (صفریان و امام‌جمعه زاده، ۱۳۹۶). دولت‌ها نیز همسو با سایر طبقات و گروه‌ها و نیروهای اجتماعی تلاش می‌کنند، که برای رسیدن به مراتبی از توسعه، خصوصاً در حوزه توسعه اجتماعی حرکت‌های چشمگیری در راستای استانداردها برای باسازی نظام‌های اجتماعی از جمله نظام آموزشی و خصوصاً آموزش و پرورش از خود نشان دهند. در مجموع توسعه بر تکامل نظام اجتماعی بشر از اشکال ساده‌تر به اشکالی پیچیده‌تر و بالاتر در حد بلوغ و کمال دلالت دارد (ریگز، ۱۹۸۴، ص ۱۲۶). توسعه، استراتژی و فرایندی است همه‌جانبه و معطوف به تمام ابعاد زندگی مردم و موجب تغییر در تمام ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود، به گونه‌ای که نه تنها از لحاظ کمی بلکه باعث تغییرات کیفی در تمام ابعاد جامعه از جمله شیوه زندگی، رفاه اجتماعی، سلامت، محیط زیست و غیره می‌شود (لهسای زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۷). در واقع، مهم‌ترین هدف توسعه در دوره پساجنگ (دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰)؛ برون‌رفت از جامعه سنتی و حرکت به سوی دانش‌محوری، تولیدمحوری و

تکنولوژی بود (ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۶۰). بیشتر صاحب‌نظران توسعه، توسعه همه‌جانبه را مهمترین هدف توسعه در هر جامعه می‌دانند. به عبارت دیگر، چندوجهی بودن و نگرش توأمان کیفی و کمی به توسعه نشان می‌دهد توسعه فقط مفهومی اقتصادی نیست؛ بلکه جریانی است که تمام جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد (متقی، ۱۳۹۶). به زعم گونامیردال^۱ توسعه در کلیت به مفهوم ارتقای نظام اجتماعی است و رشد اقتصادی تنها یک جنبه خاص از توسعه و تحول همه‌جانبه اجتماعی است. بنابراین، میردال پیرو مکتب توسعه درون‌گرا معتقد است کشورهای توسعه‌نیافته برای توسعه خود، نیازمند اصلاحات مؤثر، گسترده و همه‌جانبه‌ای هستند که باید توسط خود این کشورها و مبتنی بر شرایط خاص برای مقابله با موانع درون‌زا و برون‌زا صورت پذیرد (بنیانیان، ۱۳۸۶، ص ۵۲). همه ابعاد توسعه اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و توسعه اجتماعی با هم تداخل و همپوشانی‌هایی دارند. اما توسعه اجتماعی بر کیفیت سیستم اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی و نیز کیفیت زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد (کلانتری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸) و همه این ابعاد توسعه بر کلیت توسعه پایدار و همه‌جانبه یک کشور مؤثر است. در پژوهش حاضر که یک نوع بررسی تطبیقی است، بر روی اسناد آموزش و پرورش دو کشور ایران و ژاپن تحقیق شده چرا که ایران و ژاپن دو کشور آسیائی می‌باشند که در قرن ۱۹ م [۱۳۰ ه.ش] به خاطر ضعف خود در مقابل کشورهای غربی درصدد نوسازی و اصلاحات برآمدند. نخبگان هر دو کشور در این قرن بر نوسازی و اصلاحات با هدایت از بالا تأکید داشتند. با وجود شباهت‌هایی که بین نوسازی و اصلاحات توسط نخبگان دو کشور وجود داشت، هر دو کشور تا حدودی مسیر تاریخی متفاوتی قبل از نوسازی و اصلاحات را طی کرده‌اند (جباری، ۱۳۸۲) در ادبیات توسعه از روند توسعه در ژاپن با عنوان معجزه ژاپنی^۲ یاد شده است (گزارش بانک جهانی، ۱۹۹۳). دلایل زیادی را می‌توان در ذیل چرایی موفقیت توسعه در ژاپن ذکر کرد، اما به طور کلی، دو دسته مهم از عوامل عبارت‌اند از: اول الگوی توسعه اقتصادی ژاپن و دوم سویه‌های فرهنگی و تمایل شدید مردم به کار و سخت‌کوشی و کارآفرینی است (نقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۶۶)، البته علیرغم

1. Gunnar Mirdal
2. Japanese Miracle

نقش مهم مؤلفه‌های فرهنگی در توسعه ژاپن، وجود دولت توسعه‌گرا عامل اصلی تحقق توسعه در این کشور بوده است. به طور کلی، برنامه‌های توسعه در ژاپن ابتدا در قالب توسعه اقتصادی و در مرحله بعد، در قالب برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (عطار، ۱۳۹۱). طبق مطالعه انجام‌شده در این پژوهش در اسناد فرادستی آموزش و پرورش ژاپن نیز رویکردها در راستای سیاست‌های کلان کشور کاملاً توسعه‌محور است و استراتژی‌های رشد با نگاه جدید در سیاست‌های آموزش مورد توجه قرار گرفته است. در این اسناد به نقش آموزش در ارتقای دانش عمومی و پیشرفت اجتماعی ژاپن، همچنین، کیفیت آموزش و ارتقای نوآوری‌ها، ایجاد دانشگاه‌های برجسته، افزایش ارزش برای هزینه‌های صرف‌شده برای آموزش و پرورش، تقویت ارتباط بین سیستم آموزش و پرورش و بازار کار برای کاهش نرخ بالای بیکاری در بین جوانان، کاهش بار مالی آموزش و پرورش برای خانواده‌ها و سطح بالای استانداردهای آموزشی برای شهروندان و همچنین، تهدیدات و چالش‌های مهم و بحران‌های عظیم جهان نظیر مسائل مربوط به امنیت اجتماعی، مسائل محیط زیستی، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و نحوه مواجهه صحیح با تحولات اجتماعی پرداخته شده است. در ایران نیز درباره مسائل توسعه‌ای توجه به توسعه اقتصادی به عنوان فرایندی تاریخی توجه شده که طی آن مبانی علمی و فنی جامعه از سنتی به مدرن متحول می‌شود. ولی در مجموع در فرایندهای توسعه‌ای در ایران انسان کانون توجه قرار گرفته است و در فرایند توسعه به انسان‌ها با ذهن و نگرش متحول شده و تغییر باورهای فرهنگی توجه شده اینها مؤلفه‌های مهم شامل آموزش‌های تخصصی و سرمایه لازم برای فعالیت‌های توسعه‌ای است. از نظر عظیمی (۱۳۷۱) به عنوان نظریه پرداز شهیر توسعه در ایران، برای تحقق توسعه، دو راهبرد قابل تصور است: یکی با محوریت تحول فرهنگی یا حکومت اندیشه و کلام و دیگری با محوریت تحول فیزیکی یا حکومت سرمایه. او معتقد است هنر برنامه‌ریزی توسعه و هدایت‌کنندگی جامعه این است که در فرهنگ جامعه جست‌وجو شود، عناصر مناسب تقویت و جامعه توسعه پیدا کند (عظیمی، ۱۳۷۱، صص ۱۷۹-۱۷۶). او با محور قرار دادن فرهنگ در فرایند توسعه، توجه اصلی را بر آموزش‌های اولیه دبستان و دبیرستان، زمانی که ذهن کودک و نوجوان فطرتاً علمی می‌اندیشد، قرار می‌دهد. او در بخشی از نظریه توسعه اقتصادی می‌گوید: آنچه مهم است؛ توجه به سه راهبرد اصلی در تحویل مناسب فرهنگی

یعنی تخصیص منابع کافی به امور پرورشی به ویژه در مدارس ابتدایی و راهنمایی، تأمین نیازهای اساسی زندگی و الگوسازی فرهنگی مناسب. آموزش‌های تخصصی در زمینه‌های فرهنگ، آماده‌سازی تحول فرهنگی و... است. در مطالعه انجام شده در این پژوهش نیز در اسناد فرادستی به انسان به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه توجه ویژه شده است. در این اسناد موضوع انسان به دنبال دو هدف متعالی، اول شکوفاشدن، کمال‌یافتن، اعتلا و عظمت‌یافتن خود انسان و ساختن انسان از مسیر تعلیم و تربیت و هدف دوم دستیابی به زندگی سعادت‌مندانانه و حیات طیبه عنوان شده است و این مسئولیت بزرگ تربیت بر عهده آموزش و پرورش و ارکان مدرسه، معلم، مدیر و خانواده گذاشته شده است. در این مقاله دو سند سیاست‌گذاری تحولی آموزش و پرورش ایران و ژاپن از میان اسناد کلان فرادستی به روش نمونه هدفمند انتخاب شد و با استفاده از روش تحلیل محتوا با احصای گزاره‌های اصلی توسعه‌محور و سپس، مقوله بندی و کدگذاری گزاره‌ها جداولی تنظیم شده و بررسی‌های نهایی انجام شده است.

توسعه اجتماعی، عناصر و مؤلفه‌ها

به لحاظ نظری توسعه اجتماعی از یک منظر در دو دیدگاه رفاه‌گرا و مارکسیستی مطرح می‌شود. رفاه‌گرایان توسعه اجتماعی را حرکت به سوی زندگی با کیفیت‌تر می‌دانند و امکان دستیابی به زندگی مناسب براساس تجربه شخصی بهتر را توسعه اجتماعی می‌دانند. مارکسیست‌ها بر مساوات اجتماعی تأکید دارند، و این فرایند را در جامعه عاری از استعمار و استثمار خارجی ممکن می‌دانند (شمعدانی حق، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱). در معنای دیگر، توسعه اجتماعی عبارت است از تحقق دگرگونی بنیادی در طرز تفکرها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نقش‌های اجتماعی در گستره جامعه (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۹۰). به طور کلی، توسعه اجتماعی در کنار مفاهیمی چون نظم، مشارکت، امنیت، خدمات، رفاه، تعلق و اعتماد و مؤلفه‌هایی از این دست، معنا پیدا می‌کند. برخی اندیشمندان نظیر دورکیم، توسعه اجتماعی را گذر از جامعه سنتی به صنعتی یا مدرن از طریق تقسیم کار و تقسیم کار را مظه‌ری از تمایزپذیری اجتماعی می‌دانند؛ او معتقد است افراد بر اساس تمایزها و ناهمسانی‌های مکمل یکدیگر باهم ارتباط برقرار می‌کنند (استونز، ۱۳۷۹، ص ۸۰)، و بعضی دیگر از صاحب‌نظران آن را به معنای

سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت ارتباطی، اعتماد، انسان‌بودن، شاخص‌های هویت و غیره تلقی می‌کنند. توسعه اجتماعی عبارت است از دسترسی به خدمات آموزشی، برنامه رفاه و تأمین اجتماعی، درآمد ملی، بهداشت و جمعیت (منشور سند کپنهاگ سازمان ملل متحد، ۱۹۹۵). موضوع توسعه اجتماعی به شکوفایی استعدادها، گوناگون شخصیت انسانی، توزیع عادلانه درآمدها، دستیابی به آموزش همگانی، سلامت جسمانی و روانی جامعه، امید به زندگی، برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی اجتماعی و جامعه مدنی می‌پردازد. توسعه یک مقوله ارزشی و جریانی چندبعدی است که با بهبود رابطه دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۲۴). اهداف اصلی توسعه هزاره سوم به توسعه اجتماعی شامل کاهش فقر، دستیابی به آموزش، برابری جنسیتی، کاهش مرگ و میر کودکان، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط زیست، گسترش مشارکت و انسجام اجتماعی اشاره می‌کند. براساس آخرین تعاریف سازمان ملل، «توسعه اجتماعی» فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «به زیستن» و «روابط اجتماعی» می‌شود که منصفانه‌تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش، و هم دستاوردهای غیر مادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است (مؤسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۶). توسعه اجتماعی در قیاس با مفاهیمی مانند توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی حوزه وسیع‌تری را در بر می‌گیرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ب). توسعه اجتماعی به معنای دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهداف ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و برآوردن نیازها به همراه بالابردن سطح آزادی و افزایش توانایی جامعه برای بهبود وضع خود می‌باشد. توسعه اجتماعی با مقوله‌هایی همچون احساس آزادی، امنیت، رفاه و آسایش و تعلق اجتماعی در ارتباط است. مقوله‌های اخیر نیز با موضوعاتی همچون امید به زندگی، سطح تحصیلات و سطح درآمد افراد جامعه، میزان مشارکت‌جویی در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، تحقق عدالت و رفاه در جامعه، وفاداری افراد و تلاش برای آبادانی جامعه ارتباط دارد (بابائی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

مؤلفه‌های مرتبط با توسعه اجتماعی

موسایی (۱۳۸۸) تعریف‌ها در خصوص توسعه اجتماعی را در دو گروه تعاریف خاص و عام دسته‌بندی می‌کند. همه این مفاهیم در آموزش و پرورش پایه‌گذاری می‌شود. او توسعه اجتماعی را در معنای خاص به ارتباط، وحدت، انسجام، سرمایه و اعتماد اجتماعی، تحقق جامعه مدنی، صبر و بردباری انسانی و در مجموع، تکامل اجتماعی اطلاق می‌شود. توسعه اجتماعی در معنای عام، به شاخص‌های رفاه اجتماعی مانند بهداشت و درمان، آموزش، مسکن، رفع فقر و بیکاری، امنیت، مشارکت، تأمین اجتماعی می‌پردازد. عوامل متعددی توسعه اجتماعی را محقق می‌کنند. از آن جمله «پذیرش اجتماعی» به معنای مقبولیت انسان‌ها و نهادهای دولتی، «عدالت اجتماعی» به معنای کاهش نابرابری‌ها و تبعیض‌ها، «نظم اجتماعی» به معنای حفظ ثبات از طریق اعتقادات، سنت‌ها، آداب و رسوم. «اعتماد اجتماعی»، به معنای حضور پررنگ دانش و شناخت علمی در فعل و انفعالات اجتماعی و تعاملات، «پایداری اجتماعی» که باسطح مطلوب از زندگی سالم و توأم با بهره‌برداری صحیح از طبیعت برقرارکننده تعادل در پایداری انسانی، با هدف کاهش تعارضات اجتماعی، در کنار توجه به خواسته‌های نسل آینده با مدیریت منابع طبیعی و توزیع متوازن اقتصادی مرتبط است (شفیعا، ۱۳۸۳). پایداری اجتماعی را به معنای ارتقای کیفیت زندگی، توسعه منابع زندگی و خودکفایی اجتماعات محلی و واکنش به تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش‌ها می‌دانند (نسترن و هادیزاده زرگر، ۱۳۸۶). یکی دیگر از مؤلفه‌های مطرح در توسعه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ آحاد مردم است که در آموزش و پرورش می‌توان از طریق برنامه‌های درسی و فرصت‌های علمی، فراگیران را به انسان‌هایی فعال و نه منفعت‌طلب یا خودمدار تبدیل کرد (ایزدی و عزیزی شمایی، ۲۰۰۹، ص ۶۸). کودکان و نوجوانان که سازنده فردای جامعه هستند، باید پذیرای مسئولیت‌های اجتماعی آن باشند. بنابراین، در مؤلفه توسعه اجتماعی کودکان نیاز به آموزش مسئولیت‌پذیری و یادگیری در زمینه صلح و توانایی‌هایی نظیر دموکراسی، تعاون و همبستگی، حفظ

1. Social Responsibility

فرهنگ‌ها، حفاظت از محیط زیست و معنویت را دارند. به همین دلیل، مدارس همزمان با آموزش مهارت‌های شناختی^۱ مسئولیت‌شناسایی مفاهیم صلح و ارتقای روحیه صلح‌طلبی دانش‌آموزان را برعهده داشته و موظف به آماده‌کردن برای ایجاد صلح می‌باشد (فلاح نودهی، ۱۳۸۷). مسئولیت‌پذیری، در روند صحیح رشد انسان‌ها پدید می‌آید و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود و در آموزش رفتارهای اجتماعی، جایگاه شایان توجهی دارد (کاظم‌پور و باباپور و اجاری، ۱۳۹۶). از مؤلفه‌های مهم دیگر «مشارکت اجتماعی» است که فرایندی است که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهدافی مشخص که منجر به سهیم‌شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰ الف). تحرک اجتماعی نیز از دیگر مؤلفه‌هایی است که بر توسعه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. کارشناسان امکان‌گذار آزادانه افراد و گروه‌ها از منزلتی به منزلتی دیگر در جامعه را تحرک اجتماعی می‌گویند. اصطلاح تحرک اجتماعی را به حرکت درآوردن افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی مختلف نیز اطلاق می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۴). تحرک اجتماعی در واقع، گذر یک شخص از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر یا از یک طبقه به طبقه دیگر است (نیک‌گهر، ۱۳۷۱). تحرک اجتماعی را به تحرک عمودی، افقی، میان‌نسلی و درون‌نسلی تقسیم می‌کنند. میزان تحصیلات، جنسیت، نژاد و شغل پدر از جمله عوامل متعددی هستند که در تحرک اجتماعی افراد بین طبقات مختلف جامعه دخیل‌اند. افراد با استفاده از ابزار گوناگون دست به تحرک اجتماعی می‌زنند. یکی از این ابزار آموزش و پرورش است. استفاده از تحصیلات برای مشاغل با پایگاه اجتماعی بالاتر، استفاده از بورسیه تحصیلی و... سبب تحرک اجتماعی و در نهایت، به توسعه اجتماعی منجر می‌شود. همانگونه که اشاره کردیم آموزش و پرورش و تحصیلات یک عامل مؤثر در تحرک اجتماعی است. آموزش و پرورش با دادن اطلاعات و آموزش مهارت‌های لازم افراد را برای دستیابی به مشاغل که ارزش اجتماعی بالایی دارند، آماده می‌کند. مراکز تربیت معلم با پرورش معلمین شایسته می‌توانند جامعه را به تحرک اجتماعی وادارند. معلم مهم‌ترین عامل تحرک تحصیلی به حساب می‌آید و تحرک تحصیلی خود عامل توسعه اجتماعی محسوب می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴). آموزش و

پرورش نقش مهمی در گزینش و تخصیص افراد به مقامات و مشاغل اجتماعی ایفا می‌کند. نحوه عملکرد افراد در مدارس، طول مدت تحصیل و رشته تحصیلی در تعیین شغل، درآمد و منزلت اجتماعی آینده آنان، تأثیر بسزایی دارند. از این رو، آموزش و پرورش رسمی، سهم مهمی در تسهیل تحرک اجتماعی افراد بر عهده دارد (علاقه‌بند، ۱۳۸۹). به طور کلی، مفهوم توسعه اجتماعی که به آن اشاره کردیم، با دو رویکرد تعریف می‌شود، رویکرد عام توسعه اجتماعی مترادف با توسعه انسانی و گاهی با سایر ابعاد توسعه نظیر بعد فرهنگی تداخل پیدا می‌کند و در رویکرد خاص متمایز از سایر ابعاد به کار می‌رود. صاحب‌نظران بر روی برخی مؤلفه‌ها تأکید بیشتری دارند. برای مثال، یوردیو (۱۹۷۷) به کنش اجتماعی، پارسونز به اجتماع جامعه‌ای (۱۹۷۷)، و مورن (۱۳۸۲) به هویت انسانی اشاره دارند. ورف (۱۹۹۱، ۱۹۹۷)، انسان اجتماعی، هابرماس گستره همگانی، ارتباطات اجتماعی و عقلانیت ارتباطی، جنکینز^۱ (۱۹۹۶)، به هویت اجتماعی، بورک (۲۰۰۲، ۱۹۹۹)، اعتماد، تعهد و عزت نفس، آرچر^۲ (۲۰۰۱) به انسان بودن، گیدنز^۳ (۱۹۹۱) به هویت شخصی و سرمایه اجتماعی اشاره کرده‌اند. امروزه برحسب حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی با چهار نوع توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی سروکار داریم. ماهیت، قلمرو، شاخص‌ها و معرف‌های توسعه در هر حوزه ممکن است مشترک یا متفاوت باشند. توسعه سیاسی شامل بسط آزادی، مردم‌سالاری، مشارکت جمعی، همگامی و تحقق اهداف جمعی، توسعه اقتصادی شامل بسط عقلانیت ابزاری، محرومیت‌زدایی، کاهش آنتروپی، بهره‌برداری بهینه از منابع، توسعه اجتماعی شامل بسط، تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای، جامعه مدنی و مفهوم شهروندی، همبستگی، همگرایی، انسجام جمعی عام، اخلاق و تعهد جمعی، هویت جمعی عام، احترام متقابل، پذیرش تفاوت‌ها، وفاق اجتماعی و وحدت ملی، همدلی و اعتماد اجتماعی عام، توسعه فرهنگی شامل خردورزی، عقلانیت فرهنگی، بسط و تولید و تبادل و ذخیره اطلاعات، وفاق فرهنگی، همفکری و هم‌اندیشی و نظایر آن اگر این شاخص‌ها مورد دقت و توجه قرار بگیرند. ملاحظه می‌شود در بسیاری از شاخص‌ها مرز مشخصی وجود ندارد. حوزه فرهنگی حوزه گفتمان و تولید معرفت با سرمایه فرهنگی و نمادسازی لازم برای ثبات و

1. Jenekins
2. Archer
3. Giddens

پایداری حیات اجتماعی محسوب می‌شود. همچنین، حوزه سیاسی بسیج و سازماندهی و تولید و کسب قدرت و سرمایه‌های سیاسی برای نیل به اهداف جامعه است. حوزه اقتصادی حوزه کسب و کار و تولید سرمایه‌های اقتصادی برای پاسخ به نیازهای زیستی و تطابق با محیط توسط سرمایه‌های انسانی است. حوزه اجتماعی حوزه تعاملات و دوستی‌های متقابل برای تولید و کسب تعهد یا سرمایه اجتماعی لازم برای وحدت و یگانگی و یکپارچگی است (عبداللهی، ۱۳۸۴). همه این حوزه و هرگام در این حوزه‌های حیات اجتماعی در آموزش و پرورش پایه‌ریزی می‌شود و ضروری است در اسناد فرادستی و کلان توسعه‌محور آموزش و پرورش به آن توجه شود.

نگاهی به مسیر توسعه آموزش و پرورش ژاپن به عنوان کشوری با نظام آموزشی پیشرو

شکل‌گیری تدریجی فرهنگ کار و توسعه، به مدیران و سیاستگذاران ژاپنی کمک کرد تا با مدیریت صحیح منابع انسانی، منابع مادی و مالی بتوانند تصمیم‌گیری‌های درست در مواجهه با بحران‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را داشته باشند. ژاپنی‌ها باور دارند اعتقادات و ارزش‌ها و نوع فرهنگ تمام ابعاد زندگی را در جامعه متأثر می‌کند. آیین‌های شینتو، بودا، کنفوسیوس هرکدام با پرداختن به هویت‌های تاریخی و معنوی، اصول اخلاق علمی، وجدان کار و مبانی اخلاقی خانواده و خودسازی، خیرخواهی و وفاداری و اصول «تفاهم و توافق» مدیریت ژاپنی را در جهان منحصر به فرد کرده است. حس قوی همبستگی ملی و اجتماعی، پرداختن به نظارت و توازن، تنظیم و شکل‌دهی به قواعد اجتماعی، حفظ ارزش‌ها، الگوی مصرف صرفه‌جویانه، پس‌انداز بالا، رفتار تولیدی سازنده و تلاش در جهت دستیابی به فناوری‌های نوین سبب شد ژاپن چهار اقدام اساسی شامل ۱. ایجاد زیربنای ارتباطات؛ ۲. تحول و گسترش آموزش؛ ۳. وضع قوانین مناسب؛ ۴. رفع محدودیت‌ها و موانع موجود در بخش‌های مختلف را سرلوحه کار خود قرار دهد. بعد از سال ۱۸۶۷ کم‌کم آموزش و پرورش یک وظیفه اخلاقی محسوب شد و خیرخواهی و آگاهی سبب شد همه مردم در جهت ارتقای آموزش تلاش کنند. مردم ژاپن در مسیر توسعه به نظام آموزشی توجه خاصی داشتند (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۸). به همین دلیل نظام آموزشی ژاپن نظامی پیشرو شد. ژاپنی‌ها از نظر فرهنگی و اجتماعی به شدت وامدار تمدن چین هستند؛ اما جلوه بیرونی آنچه که از آن‌ها عرضه می‌شود؛ به‌روشنی رنگ و لعاب ژاپنی دارد؛ زیرا همواره با مهارت و زبردستی موفق شده‌اند موارد اقتباس شده

را در راستای اهداف ملی خود تغییر داده و تمدن ویژه ژاپنی را ارائه کنند که نمی‌توان در اصالت آن تردید کرد (مورتن^۱، ۱۹۹۴، ص ۱). بسیاری از ویژگی‌های فنی و سازمانی نظام آموزش و پرورش معاصر ژاپن از کشورهای ایالات متحده، فرانسه یا آلمان گرفته شده، اما میل به آموزش خوب چیزی است؛ که از خود ژاپنی‌ها ناشی می‌شود. تأکید ژاپنی‌ها بر آموزش و خودسازی، اعتقاد به یادگیری به عنوان وسیله‌ای برای رشد فردی و اجتماعی، مدت‌ها قبل از ورود غرب به ژاپن، خود را نشان داده بود. سیستم آموزشی ژاپن در سال ۱۸۷۲ از نمونه‌های غربی الهام گرفت، اما ارزشی که ژاپنی‌ها دیروز و امروز برای آموزش قائل هستند؛ برداشت از غرب نیست. مدارس ژاپن یک برنامه درسی تجویز شده ارائه می‌دهند و دانش‌آموزان بیشترین وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند. معلمان اهمیت خود را از مدرسه می‌گیرند و متعهد به خدمت به مدرسه هستند. اما در پشت مدرسه یک فرهنگ «بهبودی، رشد و توسعه» برای بهتر شدن از طریق کار سخت، که نگاهی متفاوت از سایر کشورهای غربی و بیشتر کشورهای آسیایی است، وجود دارد. رهبران نظام آموزشی ژاپن همواره سیاست‌های آموزشی کلان این کشور را بازنگری می‌کنند (سرکارآرانی، ۱۳۸۲، ص ۷۱). طرح بازنگری و اصلاحات گسترده آموزش و پرورش ژاپن در ابتدای سال ۲۰۰۱ برای قرن ۲۱ - ملقب به «طرح رنگین‌کمان» - برای ورود به اولین مرحله اصلاحات آموزشی، مطرح شد. هدف این طرح «احیای مجدد مدارس، خانواده‌ها و جوامع و تغییر آموزش بود». این طرح شامل بهبود مهارت‌های آموزشی، دانش‌آموز از طریق «فهم آسان کلاس‌ها» از طریق کوچک‌کردن کلاس‌ها، تجهیز کلاس‌ها به امکانات فناوری اطلاعات و انجام تحقیقات پیمایشی در زمینه عملکرد تحصیلی در سطح ملی؛ تشویق دانش‌آموزان به مشارکت در برنامه‌ها و خدمات اجتماعی به منظور پرورش فرهنگ ژاپن از صمیم قلب. ایجاد فضای یادگیری با استرس کم با گسترش فعالیت‌های ورزشی و برنامه‌های فرهنگی و انجام اقداماتی برای مقابله با مشکلات رفتاری. ایجاد مدارس به عنوان محیطی امن برای والدین و جامعه با اجرای سیستم ارزشیابی در سطح مدرسه، مشارکت اولیا در انجمن مدرسه، ارائه آزاد اطلاعات، و توسعه مدارس جدید برای تأمین نیازهای مختلف گروه‌های اجتماعی، تربیت معلمان برای ارائه آموزش‌های کیفی از طریق اهدای جوایز، تشویق و ارتقای سیستم عملکرد

(جایگزینی برای سیستم‌های قدیمی)، تعلیق معلمان بی‌کیفیت و اجرای نظامی برای معلمان، دنیای واقعی و تجربیات کاری، ارتقای استانداردهای دانشگاه‌های بین‌المللی با تقویت کارکرد دانشگاه‌ها به عنوان رهبران ملی آینده، ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها و اعطای استقلال به دانشگاه‌های ملی با هدف رقابت بازار با مؤسسات خصوصی، ایجاد فضای شغلی گسترده‌تر، و ایجاد وحدت برای ارتقای عملکرد سیستم بود (اسناد سیاستی وزارت آموزش ژاپن، ۲۰۰۱). در واقع، سیاست‌های آموزش و پرورش در ژاپن: ساختن پلهایی به سمت ۲۰۳۰ است. در مقایسه با سایر کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی، سیستم آموزشی ژاپن یکی از بهترین عملکردها را در بین جوانان و جمعیت بزرگسال دارد. اما چالش‌های اقتصادی و اجتماعی - جمعیتی قابل توجه، تداوم این مدل موفق را زیر سؤال می‌برد. در پاسخ به حل این چالش، ژاپن سومین برنامه اصلاحات بنیادی خود را برای ارتقای آموزش و پرورش (۲۰۱۸-۲۰۲۲) را با هدف حمایت از افراد برای آماده‌سازی در سال ۲۰۳۰ تدوین کرده است. به ویژه، طرح برنامه درسی، تربیت معلم، سازمان مدرسه، حمایت مالی از آموزش اختیاری و یادگیری مادام‌العمر همه بخشی از بسته اصلاحی است که ژاپن برای استقبال از آینده وضع کرده است. خط‌مشی ژاپن در مقایسه با کشورهای عضو همکاری‌های اقتصادی نقاط قوت و چالش‌های برنامه اصلاحات فعلی آموزش را در ژاپن ارزیابی می‌کند و توصیه‌هایی برای معرفی برنامه درسی جدید، تداوم آموزش و پرورش جامع و توسعه یادگیری مادام‌العمر ارائه می‌کند (سازمان همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۱۴). همچنین، بنا بر مفاد گزارشات سایت سازمان همکاری‌های اقتصادی سیستم آموزش و پرورش نقش اساسی در تحولات اقتصادی ژاپن در دوره پس از جنگ داشت. سطح بالایی از پیشرفت تحصیلی ژاپن که در مطالعات بین‌المللی منعکس شده است؛ به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، از آن زمان، ژاپن همچنان در صدر کشورهای عضو OECD^۱ در برنامه ارزیابی بین‌المللی PISA^۲ قرار دارد. با توجه به پیوند مهم بهبود اهداف آموزشی با رشد اقتصادی، بهبود بیشتر نتایج تحصیلی در اولویت ژاپن قرار دارد. ژاپن از کشورهایی است که با سرمایه انسانی بیشتر در نوآوری پیشرو و سریع‌تر عمل می‌کند و در نتیجه، به بهره‌وری بیشتری دست می‌یابد. طبق گزارش سایت سازمان همکاری‌های اقتصادی ۲۰۱۱ ژاپن با افزایش سرانه سرمایه

1. Organisation for Economic Co-operation and Development

2. PISA is the OECD's Programme for International Student Assessment

انسانی، سرمایه‌گذاری هوشمند و مناسب در آموزش، تأثیر چشمگیری برای رفاه آینده کشور در استراتژی رشد جدید پیش‌بینی کرده است؛ این استراتژی‌ها برای کمک به ژاپن در پرداختن به تعدادی از چالش‌ها تهیه شده‌اند، عبارت‌اند از بهبود کیفیت آموزش برای مواجهه با رشد میانگین سنی جامعه و تحمل شرایط مالی دشوار، افزایش ارزش برای هزینه‌های صرف‌شده برای آموزش و پرورش به منظور کاهش فشار بر هزینه‌های دولت، کاهش بار مالی آموزش و پرورش برای خانواده‌ها، بهبود عدالت در فرصت‌های آموزشی و عملکردها، تقویت ارتباط بین سیستم آموزش و پرورش و بازار کار برای کاهش نرخ بالای بیکاری در بین جوانان، گسترش سهم بخش آموزش عالی در نوآوری برای افزایش پتانسیل رشد ژاپن. ژاپنی‌ها طبق آیین نوکنفوسیوس، معتقدند؛ عقل و اخلاق با فطرت انسان عجین است، در نتیجه، جست‌وجوی اخلاق ابزاری است برای بسط و توسعه قابلیت‌های فطرت درونی انسان تا بتواند انسان را در داشتن رفتاری صحیح راهنمایی کند. آن‌ها معتقدند شیوه زندگی افراد باید به شکل مناسب در چارچوب کل جامعه بررسی شود (بیتو^۱، ۱۹۹۱، ص ۴۲۳). مفاهیمی چون وظیفه، اخلاق، صلح، تعهد، مسئولیت‌پذیری در عالم واقع در ژاپن به یک رفتار اجتماعی تبدیل شده است، که کاملاً سازگار با ویژگی‌های یک جامعه توسعه‌یافته است. بازتعریف طبقات اجتماعی، شفاف‌سازی وظایف افراد براساس نقش‌های اجتماعی، اعتماد، روحیه کار جمعی همه در توسعه اجتماعی ژاپن نقش به‌سزایی دارد (گل‌محمدی و ماکوتو‌هاچی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). با مطالعه اسناد و سیاست‌های کلان آموزش و پرورش ژاپن رویکرد توسعه‌محور در تمام ابعاد و وجوه توسعه کاملاً قابل مشاهده است. همچنین، توجه ویژه به مؤلفه‌های توسعه اجتماعی از آن برگرفته می‌شود.

نگاهی به مسیر توسعه آموزش و پرورش و تحول در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش ایران مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی معطوف به چشم‌اندازی است که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی مطرح است. در دهه‌های گذشته تلاش‌های وافر و قابل

1. Bito

تقدیری از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که نتایج مفیدی نیز برجای گذاشته است؛ لیکن آموزش و پرورش بعد از چند دهه با چالش‌های جدی روبه‌رو بود و برون‌داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران، پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نبود. از این رو، تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگویی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور شد. با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی)، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه سند تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی - پژوهشی با مشارکت صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذیربط، ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، سند مذکور تدوین و در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای مذکور رسید. این سند در یک دوره حدود نه سال در نظام آموزشی کشور طی مراحل گوناگون پیاده‌سازی و اجرا شد. از سال ۱۳۹۹ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران توسط شورای عالی آموزش و پرورش، در دست ترمیم و به‌روزروری قرار گرفت. سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران، براساس قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبری شامل تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه (زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی) و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و ارتقای کیفی در حوزه‌های بینش، دانش، مهارت، تربیت و سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان، ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی، ارتقای کیفیت نظام تربیت معلم و افزایش مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های علمی، حرفه‌ای و تربیتی فرهنگیان و روزآمدکردن برنامه‌های درسی مراکز و

دانشگاه‌های تربیت معلم و شیوه‌های یاددهی و یادگیری برای پرورش معلمان بانگیزه، کارآمد، متدین، خلاق و اثربخش؛ اعتلای منزلت اجتماعی معلمان، توسعه مهارت‌های حرفه‌ای و توانمندی‌های علمی و تربیتی معلمان، روزآمدکردن محتوای تعلیم و تربیت و تدوین برنامه درسی ملی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و متناسب با نیازهای کشور و انطباق محتوا با پیشرفت‌های علمی و فناوری، تقویت آداب و مهارت‌های زندگی و توانایی حل مسائل و عمل به آموخته‌ها برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و کلیاتی از این دست است. با توجه به توضیحات کلی نسبت به نگاه اصلاح‌گرایانه و تحولی در اسناد فرادستی آموزش و پرورش ایران و ژاپن و همچنین، مؤلفه توسعه پایدار با تأکید بر مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در این مقاله به میزان توجه و رویکردهای کلی اسناد سیاستگذاری آموزش و پرورش این دو کشور در مقوله توسعه اجتماعی پرداخته شده است.

مؤلفه‌های توسعه اجتماعی محور اسناد سیاستگذاری ژاپن

در اسناد فرادستی سیاستگذاری در نظام آموزشی ژاپن، اولویت آموزش و پرورش ژاپن تغییر در سیاست سرمایه‌گذاری از «سرمایه برای ساختمان» به «سرمایه برای مردم»، استراتژی رشد جدید، ادغام مراکز مراقبت از کودک و مهد کودک‌ها، کاهش بار مالی آموزش و پرورش برای خانواده‌ها؛ بهبود عدالت در فرصت‌های آموزشی و عملکردها؛ تقویت ارتباط بین سیستم آموزش و پرورش و بازار کار؛ نقش مهم آموزش در ارتقای دانش عمومی و پیشرفت اجتماعی ژاپن؛ سطح بالای استانداردهای آموزشی برای همه شهروندان؛ ایجاد فرصت‌های تحصیلی یکسان برای همه شهروندان؛ عملکرد آموزشی بالا در ارزیابی جامعه بین‌الملل؛ تأکید بر ظهور اجتماعات محلی؛ تأکید بر نقش اجتماعات محلی در آموزش در همه دوره‌های تحصیلی؛ دستیابی جامعه به توسعه پایدار در عین حفظ عدالت و پویایی، لزوم دستیابی ملت و نظام‌های اجتماعی به توسعه اجتماعی-اقتصادی؛ توجه به ارزش‌های درونی از قبیل لذت بردن از زندگی هماهنگ و مسالمت‌آمیز با دیگران؛ اهمیت اخلاقیات برای دستیابی به زندگی هماهنگ و مسالمت‌آمیز؛ توجه به چالش‌های مهم و بحران‌های عظیم نظیر: مسائل مربوط به امنیت اجتماعی، مسائل محیط زیست، دشواری‌های حفظ پویایی

اقتصادی، گسترش اختلافات منطقه‌ای، نگرانی بابت تسری نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی از نسل گذشته به نسل آینده؛ تلاش جدی برای تأمین امنیت و آرامش در جامعه؛ توجه به تهدیدها در زمینه محیط زیست، غذا و انرژی، همت جمعی؛ توجه به تهدیدهای امنیتی جهانی نظیر نزاع‌های قومی، رویارویی دینی و تروریسم جهانی؛ آمادگی برای مواجهه سریع در آینده نزدیک با تحولات اجتماعی و توجه به نحوه خردورزانه برای مواجهه با تأثیرگذاری تحولات در داخل و خارج از کشور و غلبه بر مشکلات و مفاهیمی از این دست تأکید شده است.

عبارات دارای بار معنایی توسعه اجتماعی در اسناد فرادستی آموزش و پرورش ژاپن

- لزوم بازسازی نظام اجتماعی از جمله آموزش با توجه به کاهش نرخ تولد
- توجه به تشدید رقابت در عرصه بین‌الملل با توجه به سرعت جهانی‌شدن و رشد اقتصادی چین
- ایجاد فرصت برای تبادل بیشتر با خارجی‌ها در داخل و خارج از کشور
- توجه به همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌های مختلف
- تبدیل ژاپن به طور کامل به جامعه دانش‌محور و دانش نیروی محرکه توسعه اجتماعی-اقتصادی
- توجه به «قدرت نرم» براساس ارزش‌های عقلانی و فرهنگی
- توجه به ایفای نقش در عرصه بین‌الملل
- تأکید بر نوآوری‌ها با توانایی خلق ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی جدید با پیشرفت علم و فناوری،
- حفظ محیط زیست با توجه به بر وخامت مسائل محیطی مختلف از جمله گرم‌شدن زمین
- اهمیت، ایده آموزش برای توسعه پایدار برای ایجاد جامعه پایدار در حوزه آموزش
- تحولات ساختاری در صنعت از جمله توسعه صنعت خدمات
- ایجاد تحولات بیشتر در محیط کار مانند افزایش استخدام موقت
- ایجاد تغییرات در شرایط و نحوه استخدام، ایجاد نظام نتیجه‌محور و نظام پرداخت عملکردمحور

- توجه به رشد مهارت‌های حرفه‌ای افراد، استخدام دائم، تأسیس نظام‌های اجتماعی برای به‌کارگیری بازنشستگان
- تأسیس نظام‌های اجتماعی برای امکان استخدام مجدد یا ترک تحصیل کرده‌ها
- اهمیت ایجاد توازن در زندگی و کار کارکنان
- ایجاد تنوع در مفاهیم ارزشی و سبک زندگی
- بررسی اثرات مضر افزایش ارتباط از طریق اینترنت و گوشی
- افزایش وفاداری افراد به جامعه یا تشکیل داوطلبانه اجتماعات
- توجه به ظهور و گسترش سبک‌های جدید مشارکت اجتماعی
- طراحی نرمال یادگیری مادام‌العمر (ویژه افراد شاغل و غیر شاغل) برای ارتقای مهارت‌ها و رفع نیازهای آموزشی
- افزایش منابع دولتی برای تأمین هزینه مراقبت و آموزش دوره خردسالی کودکان خانواده‌های کم‌درآمد
- ایجاد سازوکار مالی برای آموزش غیر اجباری به منظور پشتیبانی از عدالت آموزشی
- جلب مشارکت اجتماعات محلی در پشتیبانی از برنامه جدید درسی
- سرمایه‌گذاری برای کارآموزی معلمان و اصلاح روش‌های متناسب با برنامه‌های درسی جدید
- همفکری و هم‌اندیشی با والدین و اجماع درباره برنامه درسی و اخذ تأیید و پشتیبانی آنان
- توجه ویژه به آموزش بزرگسالان، توجه به دستاوردهای چشمگیر زنان در تحصیلات و تخصص و توجه به نابرابری‌های جنسیتی
- ارتباط مدرسه و اجتماع
- توجه به چالش‌های جدید اجتماعی - جمعیتی
- طراحی سازمان جدید مدرسه برای کاهش سنگینی با مسئولیت معلمان و ارائه خدمات بیشتر به دانش‌آموزان
- ارائه الگوی منحصر به فرد آموزش و پرورش ژاپن بر پایه همکاری ذینفعان

- همکاری دانش‌آموزان در نظافت محیط، توزیع غذا و ... همکاری دانش‌آموزان با یگدیگر، مراقبت معلمان از دانش‌آموزان
- استفاده حداکثری از مشارکت والدین در یادگیری فرزندانشان (در اولویت همه امور خانواده قرار دارد)
- حمایت اجتماع از آموزش و یادگیری
- اتخاذ رویکرد کل‌نگرانه و چندبعدی به عنوان عامل توفیق نظام آموزشی ژاپن
- ارائه برنامه‌های اصلاحات آموزشی در خصوص عادت‌های سودمند برای یادگیری مستمر
- تجهیز دانش‌آموزان برای زندگی در شرایط قرن بیست و یکم
- تدارک دوره‌های آموزشی ویژه یاددهی و ارزشیابی برای همه کسانی که کار تدریس را بر عهده دارند، برای حل مشکلات و موانع پیش رو
- پیش‌بینی‌های لازم و آماده‌سازی کودکان برای زندگی در سال ۲۰۳۰ برای مشاغلی که هنوز پدید نیامده، فناوری که اختراع نشده، مسائلی که هنوز وجود ندارد.
- اصلاح برنامه‌های درسی در شرایط پیچیده و متغیر قرن ۲۱ همگام با تغییر و تحولات جامعه
- آماده‌سازی تک‌تک افراد جامعه برای زندگی در دو دهه آینده
- اتخاذ تدابیر ویژه برای ارتقای آموزش و شرایط پیرامون آموزش و تغییرات سریع اجتماعی و مواجهه با آن در ارائه راه حل‌های انعطاف‌پذیر و سریع و اقدام فوری
- جمع‌آوری و انتشار اطلاعات دقیق و تلاش برای آگاهی از افکار عمومی در جهت انعکاس در اقدامات در راستای ترویج برنامه ارتقا و آموزش
- افزایش گزارش‌های مردمی و ارائه نظرات در اقدامات آموزش و تلاش برای فهم افکار عمومی در راستای برنامه‌های آموزشی
- تأمین بیش از ۷۰۰ درصد هزینه‌های آموزش و پرورش از امور مالی محلی (مناطق و شهرستان‌ها)
- تشویق به کوشش‌های داوطلبانه سازمان‌های آموزشی

- تسهیل استفاده از بودجه‌های بیرونی، کمک شرکت‌ها، کمک شهروندان، کمک شرکت‌های خصوص
- انجام اصلاحات در هزینه‌ها برای به حداکثر رساندن استفاده مؤثر از بودجه‌ها
- تلاش‌های جمعی، نقطه قوت ثبات و توسعه اجتماعات
- همکاری وزارتخانه با ادارات آموزش و پرورش برای رفاه کودکان، کارورزی و...

پیشینه پژوهش

در خصوص مؤلفه‌های توسعه اجتماعی پژوهش‌های زیاد داخلی و خارجی در مطالعات ملی یا بین‌المللی صورت گرفته و تأثیرات مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در عرصه‌های گوناگون بررسی شده است.

مطالعه یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، پژوهش دهقان و غفاری (۱۳۸۴)، و پژوهش احمدوند و شریف‌زاده (۱۳۹۰) از جمله پژوهش‌هایی است که با رویکردی نظری و تبیینی نسبتاً جامع نقش متغیرهای اجتماعی در مشارکت اجتماعی را بررسی می‌کنند. اسدپور، انتظاری و احمدی آهنگ (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در ابعاد رسمی و غیر رسمی را مورد مذاقه قرار داده‌اند. نوابخش و همکاران (۱۳۹۳)، و ناطق‌پور و گلابی (۱۳۸۵) در مطالعاتی نسبتاً مشابه رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی - به مثابه دو مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی - را بررسی کردند. ازکیا و غفاری (۱۳۸۰ ب) نیز در مطالعه خود تأثیر انسجام اجتماعی بر مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان را تأکید کردند. برارپور (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی پارادایم‌های غالب در فرایند توسعه شهری در ایران پرداخته است. قوتی سفیدسنگی، فراشینی و حسن‌زاده کوچانلو (۱۳۹۶) در تحقیقی به مطالعه بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ایران پرداخته‌اند و نتیجه‌گیری کرده‌اند که در بیشتر برنامه‌ها تأکید بر شاخص‌های رفاهی توسعه بوده و شاخص‌های انسان‌گرایانه به صورت زیادی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. اعظم‌آزاده و مشتاقیان (۱۳۹۵) با بررسی موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که در برنامه توسعه ایران در فرصت‌های اجتماعی (آموزشی، شغلی، گروهی) محدودیت

وجود دارد؛ فقدان وفاق استراتژیک نخبگان، مانع تکوین و گسترش شخصیت پیشرفته کارگزار توسعه در زنان است.

هاریسون و هانتینگتون^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های توسعه اجتماعی روی رفتار اقتصادی انسان مانند مصرف و پس‌انداز و... تأثیر می‌گذارد و به بهبود رشد اقتصادی می‌انجامد. گاسیو، ساپینزا^۲ و زینگالز (۲۰۰۴) از شاخص‌های توسعه اجتماعی عقاید فرهنگی، اخلاق، مذهب و گروه‌های اجتماعی استفاده و تأثیر آن را بر اقتصاد جوامع مورد واکاوی قرار دادند. گائو^۳ (۲۰۰۶)، شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی را به سه دسته اخلاق، مذهب و زبان تقسیم می‌کند و این واقعیت را مطرح می‌کند که اخلاق به عنوان یک شاخص اصلی توسعه اجتماعی از شاخص‌های تأثیرگذار در رفتار اقتصادی و زبان از عوامل مؤثر در ارتباطات است و مذهب دید قوی نسبت به شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کند. والگسنانگ^۴ (۲۰۱۶) درباره رابطه بین رفاه و توسعه اجتماعی مطالعه کرده و آن را منوط به فرایند هدایت‌گری کلان دولت می‌داند. فیلیپس^۵ (۱۹۶۷) با مطالعه رابطه مشارکت اجتماعی و شادی به عنوان مؤلفه‌های توسعه اجتماعی اظهار می‌دارد؛ مشارکت اجتماعی در افزایش سطح شادی و سایر عواطف مثبت دارد. مطالعه لی^۶ و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد خودارزیابی تندرستی با مشارکت اجتماعی در همه گروه‌های سنی رابطه دارد. مطالعه سیرون و تری^۷ (۲۰۱۱) نیز بیان‌کننده این است که میزان بالاتری از مشارکت اجتماعی می‌تواند وضعیت سلامت را در اکثر کشورها بهبود بخشد. پلتاریکین^۸ و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی مشکلات نظام توسعه در روسیه، راهکارهایی جهت رفع آن‌ها بر اساس برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ارائه کردند. بر این اساس نگرش مصرف‌گرایی مردم به محیط زیست دلیل

1. Harrison & Huntington
2. Guiso, Sapienza & Zingales
3. Guo
4. Voegelgesang
5. Philips
6. Lee
7. Siven & Thierry
8. Poltarykhin

اصلی بدتر شدن وضعیت و کاهش ذخایر منابع طبیعی تجدیدناپذیر می‌شود و بشریت را تهدید روبه‌رو می‌کند. رفع مشکلات زیست محیطی با معرفی فن‌آوری‌های صرفه‌جویی در مصرف منابع در تمام بخش‌های تولید، استفاده از منابع انرژی جایگزین و بازگرداندن انعطاف‌پذیری اکوسیستم آسیب‌دیده و حفظ آن‌ها در آینده می‌تواند موجب توسعه اجتماعی می‌شود. بولر^۱ و همکاران (۲۰۲۰) اعتقاد دارند عوامل رشد اجتماعی افراد مسن با جوانان امروز متفاوت است. رشد اجتماعی بزرگسالان در حوزه روان‌شناسی، تحت تأثیر فرایندهای مرتبط با سن است. البته دانش موجود درباره رشد اجتماعی بزرگسالان تأثیرات سن و زمینه را کاملاً تأیید نمی‌کند. ارزشی که افراد مسن برای پیوندهای نزدیک اجتماعی قائل هستند، می‌تواند ریشه در تجربه‌های زندگی، نگرانی‌ها و وقایع استرس‌زای تاریخی (از جمله رکود بزرگ، جنگ جهانی دوم، دوران پس از جنگ) که در طول زندگی آن‌ها رخ داده است، داشته باشد. در حالی که جوانان امروزی، در ساختارهای اجتماعی امروز که به سرعت در حال تغییر هستند، با افزایش تنوع در گزینه‌های مسیر زندگی و در امنیت نسبی با توجه به نیازهای اساسی مادی و امنیتی، رشد اجتماعی پیدا می‌کنند. اپستول^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با مرور ادبیات موجود در زمینه رشد فردی و اجتماعی کودکان و جوانان در مدارس (یعنی کودکان ۶ تا ۱۸ ساله) در زمینه تربیت بدنی و ورزش یافته‌های خود را ارائه می‌دهند. مفاهیم دریافتی در مورد رشد اجتماعی را در ۱۱ مضمون قرار دادند از جمله اخلاق کاری، کنترل و مدیریت تعیین هدف، تصمیم‌گیری، حل مسئله، مسئولیت، رهبری، مشارکت، ملاقات با مردم و دوست‌یابی ارتباطات و رفتار اجتماعی. یافته‌های اصلی مربوط به هر مضمون، گزارش شد و محدودیت‌ها و پیامدهای برای راهنمایی محققان و دست‌اندرکاران در کارهای آینده ارائه شده است. ترزیف^۳ (۲۰۲۰) در رابطه با یکی از مهمترین المان‌های توسعه اجتماعی می‌گوید: تجزیه و تحلیل مزایا و معایب رویکرد برنامه-هدف در مدیریت، ضرورت ارائه دیدگاه جدید درباره رویکرد نتیجه‌گرا و همچنین، اثربخشی سازمانی در زمینه مدیریت سیستم‌های پیچیده، برنامه‌نویسی اجتماعی بر اساس رویکرد جامعه‌شناسی فرهنگ،

1. Bühler
2. Opstoel
3. Terziev

قوانین دولتی را تأیید می‌کند. به عقیده آن‌ها، تشریح ماهیت پدیده برنامه‌نویسی اجتماعی و روابط متقابل آن با رویکردهای مدیریتی و مفهوم کنترل تنها از طریق تحلیل عمیق نظریه و عمل در طرح مفهومی برنامه‌نویسی اجتماعی به عنوان اساس توسعه اجتماعی و مفهوم کنترل انجام می‌شود. وود^۱ و همکاران (۲۰۲۰) کارگاه‌هایی در زمینه سوادآموزی اولیه یا یادگیری اجتماعی - عاطفی را (برای ۵۷۶ پدر و مادر و ۵۸۴ کودک) ارائه دادند تا تأثیر آن‌ها را در مطالعه و رشد مهارت‌های اجتماعی فرزندان بررسی کنند. کارگاه‌های تعاملی برای کمک به شناسایی فرصت‌های روزمره برای حمایت از مهارت‌های خواندن یا توسعه مهارت‌های اجتماعی کودکان طراحی شدند. خانواده‌ها به طور تصادفی در کارگاه‌های آموزشی در یکی از سه موضوع گمارده شدند: ۱. متن خوانی سنتی، ۲. متن خوانی سنتی با فرصت‌های یادگیری به کمک رایانه، و (۳) یادگیری اجتماعی - عاطفی. همان طور که انتظار می‌رفت، عملکرد علمی با گذشت زمان در همه شرایط بهبود یافت. درباره فرزندان در هر دو شرایط خواندن که والدین در کارگاه‌ها شرکت کردند، در مقایسه با فرزندان والدینی که شرکت نکردند، در زمینه زبان و سوادآموزی مشخص، دستاوردهای مضاعف مشاهده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت والدین در کارگاه‌های آموزشی مربوط به سواد اولیه و رشد اجتماعی می‌تواند تأثیرات چشمگیری در موفقیت تحصیلی کودکان داشته باشد. این مطالعه شواهدی در رابطه با تأثیر مثبت مشارکت والدین در امور آموزشی فرزندان به عنوان جایگزین برنامه‌های مداخله سنتی و کودک - محور در جهت افزایش نتایج مثبت، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی والدین ارائه کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق مبتنی بر روش تحلیل محتوا با رویکرد تطبیقی است. تحلیل محتوا روشی است که بر اساس آن می‌توان خصوصیات زبانی یک متن یا سند را به طور عینی و علمی تحلیل کرد. از این رو، برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده می‌شود و روشی مناسب برای پاسخ‌دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک متن است. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف تحلیل محتوای اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش ۲ کشور، مبتنی بر روش تحلیل محتواست. تحلیل محتوا

روشی است که بر اساس آن میتوان خصوصیات زبانی یک متن یا سند را به طور عینی و علمی مورد تحلیل قرار داد. از این رو، برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در متن اسناد استفاده می‌شود چون روشی مناسب برای پاسخ‌دادن به سوال‌هایی درباره محتوای یک متن است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰). از آنجا که عینی‌بودن، منظم‌بودن، آشکاربودن محتوا و مقداری‌بودن آن از معیارهای اصلی در تحلیل محتواست (هولستی^۱، ۱۳۷۳)، و تحلیل اسناد از این خصلت برخوردارند؛ بنابراین، این روش به عنوان ابزار اصلی در بررسی محتوای اسناد مذکور استفاده می‌شود. در این تحقیق از تحلیل محتوای آشکار استفاده شد. زیرا پرداختن به محتوای پنهان عینیت تحقیق را دچار خدشه و خلل می‌کند و ذهنیت محقق را در استنباط محتوای پنهان باز می‌گذارد. کلمات و نمادها، کوچکترین و فشرده‌ترین واحدهای مورد استعمال در تحلیل محتوا هستند. در این تحقیق، کلمات و نمادها به عنوان واحد ثبت و شمارش استفاده شد و بخش مربوط به رویکردهای فرعی توسعه‌محور نیز به عنوان واحد متن انتخاب شد. برای اطمینان از قابلیت اعتماد داده‌های تحقیق، ابتدا دستورالعمل کدگذاری تدوین و سپس، چارچوب مقوله‌ها استخراج و نمادها سازماندهی شدند. در مرحله اول، استخراج و کدگذاری توسط محقق انجام گرفت و در مرحله بعد، دستورالعمل کدگذاری و چارچوب مقوله‌ها در اختیار پژوهشگری دیگر قرار گرفت، که نتیجه کدگذاری دو محقق در اکثر موارد دارای شباهت بودند. به طوری که در این تحقیق برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد و به منظور سنجش پایایی، ده درصد از کل محتوای اسناد و به عبارت دیگر، در این تحقیق ضریب قابلیت اعتماد ۷۷ درصد است. دو کدگذار داده‌های استخراج‌شده با دو رویکرد توصیفی و تحلیلی ارائه شد. در استخراج و تحلیل داده‌ها از آماره توزیع فراوانی استفاده شد؛ زیرا فراوانی گسترده‌ترین روش مورد استفاده در سنجش خصوصیات محتواست که در آن وقوع هر صفت معینی به حساب می‌آید. کسانی که مقیاس توزیع فراوانی را با مقیاس‌های دیگر در تحلیل محتوا مقایسه کرده‌اند، اغلب نتیجه گرفته‌اند که مقیاس توزیع فراوانی رضایت‌بخش‌تر است (هولستی، ۱۳۷۳).

یافته‌های پژوهش

در متن و محتوای دو سند مؤلفه‌های اصلی اشتراکات فراوانی داشت و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی حدود ۵۰ مورد شدند؛ به این معنا که هر دو سند از مؤلفه‌ها و عناصر توسعه اجتماعی برخوردار بودند، ولیکن ادبیات به‌کار گرفته شده کاملاً متفاوت بود.

جدول ۱. مربوط به شاخص‌های توسعه اجتماعی در اسناد فرادستی ژاپن

ردیف	مؤلفه	مصادق
۱	پیشرفت اجتماعی توسعه پایدار، جامعه امن و پایدار توسعه اجتماعی جامعه پایدار، نظام اجتماعی آینده‌نگر، توسعه جامعه مردم‌سالار؛ حفظ پویایی جامعه؛ نقش‌آفرینی جامعه ملی در تحولات جهانی، جامعه دانش‌محور توسعه جامعه دانش‌محور در سطح عالی؛ توسعه جامعه؛ حرکت در مسیر رقابت جهانی در آینده؛ رقابت بین‌المللی؛ دستیابی به سطح کلاس جهانی و توسعه همه‌جانبه؛ برقراری صلح جهانی و توسعه جامعه بین‌المللی؛ رقابت در عرصه بین‌الملل و عرصه‌های جهانی؛ همسویی با تغییرات سریع جامعه، ضرورت بازسازی نظام‌های اجتماعی	تلاش برای ارتقای آموزش حفظ عدالت و پویایی، آموزش برای توسعه پایدار، فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی برای ارتقای درک عمومی مبادرت به بازسازی نظام آموزشی اهمیت به ایده آموزش برای توسعه پایدار ایجاد نظم استخدام دائم، توجه به بازنشستگان، توجه به ترک تحصیل‌کرده‌ها، آموزش وفاداری به جامعه، ارتقای توسعه منابع انسانی با پیش‌آگاهی و خلاقیت زیاد؛ آموزش منابع انسانی برای رهبری عالی، افزایش اهمیت آموزش، ارتقای سطح آموزش و دانش و پژوهش؛ آموزش حفظ و بهبود جامعه؛ ایجاد نگاه ارزشی به همکاری متقابل و مشارکت فعالانه، آموزش برخورداری از روحیه جمعی در ساخت و توسعه جامعه؛ اصلاح قوانین آموزش، ورود به عصر جدید آموزش، توجه مناطق آموزشی به اقدامات آموزشی جمعی، توجه به ارتقای آموزش در سراسر کشور؛ توسعه هماهنگ هوش، اخلاقیات، سلامت و بهداشت جسمانی؛ آموزش تمایل به برقراری صلح جهانی و توسعه جامعه بین‌المللی؛ تأسیس مراکز آموزش و تحقیقاتی با توانایی بالا، ارتقای خرد جمعی متخصصان، ارتقای سطح آموزش، ارتقای سطح پژوهش، سرمایه‌گذاری در جذب اساتید ممتاز؛ تغییر نقش مدارس و خانواده‌ها و اجتماعات محلی، بازسازی نظام آموزشی
۲	انسجام اجتماعی: همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی نظام اجتماعی مناسب؛ ایجاد مکانیزم‌های اجتماع‌محور؛ احیای روابط اجتماعی و بازسازی اجتماعات؛ مقابله با چالش‌های اجتماعی؛ ایجاد نهادهای پرقدرت و پایدار اجتماعی	ایجاد ارتباط مدرسه با اجتماعات محلی، تبادل با خارجی‌ها در داخل و خارج از کشور ایجاد نظام نتیجه‌محور، نظام پرداخت عملکردمحور؛ تلاش‌های منطقه‌ای (شرق آسیا) برای تربیت کودکان؛ توجه به امکانات آموزشی جوامع محلی آموزش برای مقابله با چالش‌ها، آموزش برای بازسازی ارتباطات؛ آموزش برای مشارکت داوطلبانه؛ آموزش مسئولیت‌پذیری در جامعه؛ تربیت صحیح کودکان؛ افزایش امکانات آموزشی
۳	عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی؛ مدیریت صحیح اقدامات آموزشی و عدالت اجتماعی	ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، آموزش دختران و پسران؛ آموزش مناطق مرزی و مناطق محروم؛ ایجاد نگاه ارزشی به عدالت برابر جنسی؛ تقسیم وظایف عادلانه و مناسب، تقسیم وظایف همکاری مناطق آموزشی و وزارتخانه (دولت‌های ملی و محلی)

ردیف	مؤلفه	مصادق
۴	افزایش کیفیت زندگی: توازن در کار و زندگی زندگی سعادت‌مندانه؛ حفظ و بهبود جامعه و زندگی مرفه برای همه شهروندان و توسعه پایدار جامعه، شهروند خوب؛ فرصت زندگی بهتر؛ توانایی‌های بنیادی رعایت سبک‌های زندگی، اجتماعی‌بودن، کسب خصایص ضروری شهروندی؛ ارزش‌دهی به کار در عین توجه به روابط حرفه‌ای و زندگی عملی؛ توان اداره زندگی؛ لذت از طول زندگی و تقویت روحیه جوانمردی؛ القای احترام به نظم (لازمه زندگی) و تقویت انگیزه یادگیری	از طریق آموزش و تکوین شخصیت کودکان آموزش و محتوای آموزشی؛ آموزش حس وظیفه‌شناسی عمومی؛ آموزش در جهت شکل‌دهی به شخصیت شهروندی؛ آموزش سبک صحیح زندگی، توازن زندگی کار؛ پرورش توانایی‌های بنیادی، تلاش جمعی مدرسه و خانواده و جامعه محلی؛ پرورش خصایص شهروندی، آموزش زندگی مستقل و پربر؛ ایجاد نگرش و آموزش در راستای ارزش‌دهی به کار عملی و روابط حرفه‌ای؛ ارتقای آموزشی؛ تقویت کسب عادات ورزشی، علاقه به ورزش؛ تقویت توانایی‌های ورزشی؛ آموزش ورزش در مدارس و اجتماعات محلی
۵	ارزش‌های اجتماعی، خلق ارزش‌های اجتماعی جدید؛ ایجاد ارزش‌های متنوع و مفاهیم ارزشی؛ احترام به ارزش‌های فردی و رشد سلامت جسمانی؛ شکل‌دهی به ارزش‌های حاکم بر جامعه	توجه به دانش و آموزش به عنوان نیروی محرکه ارزش‌های اجتماعی، توجه به آموزش و نوآوری در ارزش‌ها توجه به آموزش، افزایش ارتباط از طریق اینترنت و گوشی موبایل؛ آموزش برای رشد توانایی‌های فردی، احترام عملی به ارزش‌های فردی؛ احترام به ارزش‌ها، پرورش حساسیت‌ها؛ آموزش با مشارکت جناح‌های مختلف دولتی و خصوصی؛ مناطق، وزارتخانه؛ مدارس، خانواده‌ها؛ شهروندان و اجتماعات محلی، شرکت‌ها، سازمان‌های اجتماعی، شرکت‌های آموزشی خصوصی، سازمان‌های غیر انتفاعی، رسانه‌ها
۶	مشارکت اجتماعی، مشارکت در جامعه؛ تعهد در برابر جامعه و مشارکت فعال در اجتماع	حضور دانش‌آموزان در تشکلهای ایجاد تشکیلات داوطلبانه؛ آموزش همکاری با سایر افراد آموزش برای افزایش انگیزه و یادگیری؛ توجه به آموزش و ارتقای دانش و تعهد
۷	انتقال فرهنگ و تمدن، غنای فرهنگ و تمدن؛ کسب فرهنگ‌های متنوع	آموزش و مفاهیم و متون آموزشی؛ آموزش و مفاهیم و محتوای آموزشی آموزش منابع انسانی/ محتوای برنامه درسی
۸	ایجاد محیط امن آموزشی (امنیت فیزیکی و روانی) فراهم‌سازی امنیت و آسایش	تأکید بر وظایف دولت، بهبود کیفیت و شرایط تحصیل تربیت معلم خبره افزایش نقش تربیتی خانواده‌ها؛ افزایش مقاومت مدارس در برابر زلزله، افزایش تسهیلات
۹	حفظ محیط زیست؛ عشق، میهن و منطقه محل زندگی؛ اشتیاق به یادگیری؛ رعایت آداب اجتماعی، استقلال، خود کنترلی، مسئولیت خانواده در اجتماع	آموزش احترام به جامعه، اهمیت به طبیعت و مشارکت در حفاظت از محیط زیست؛ آموزش عشق به وطن و منطقه محل زندگی آموزشی؛ ایجاد و آموزش «اشتیاق به یادگیری» در تمام مراحل و روزها؛ توجه به اهمیت خانه در آموزش، آگاه‌سازی والدین و سرپرستان؛ پرورش حساسیت‌ها در کودکان، آموزش شیوه اساسی زندگی؛ پرورش نگرش مراقبت از اعضای خانواده

ردیف	مؤلفه	مصادق
۱۰	دست‌رسی به آموزش با کیفیت؛ دریافت آموزش‌های اجتماعی بر طبق نیاز	ارائه آموزش‌های با کیفیت؛ ارتباط مراحل آموزشی، توجه به نقش و اهداف هر مرحله، پیش‌دبستان، ابتدایی، متوسطه اول و دوم، دانشگاه، اشتغال ارتباط روان هر مرحله با مرحله بعد، همکاری میان مراحل، امکان بازگشت فارغ‌التحصیلان یا ترک تحصیل‌کردگان
۱۱	افزایش تقویت اعتماد اجتماعی، تقویت آگاهی اجتماعی،	ایجاد پیوند و روابط مبتنی بر اعتماد بین مردم در تربیت کودکان
۱۲	توجه به پرورش اخلاقیات	آموزش منابع انسانی / محتوای برنامه درسی
۱۳	اهمیت کار، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی؛ بهینه‌سازی شرایط کار، تعادل زندگی؛ کار برای مشارکت بهتر در تربیت فرزندان و انجام فعالیت‌های داوطلبانه؛ تقویت نگرش به کار و جامعه‌پذیری	ترغیب کارفرمایان، مدیران و ... توسط دولت و ارتقای آموزش و ارائه دیدگاه‌های مناسب در سیاست‌های اشتغال؛ ارتقای آموزش، تشویق مدارس به ایجاد فرصت‌های تجربه محل کار برای دانش‌آموزان؛ همکاری جناح‌های مختلف، نسل‌های مختلف، سبک‌های مختلف
۱۴	تلاش‌های مادام‌العمر فرصت یادگیری مادام‌العمر؛	تقویت اراده، افزایش توانایی برای زندگی بهتر و پر بارتر؛ توجه به اصول آموزش و در عصر جدید؛ توجه به اهداف آموزش‌های اجباری در هر مرحله تحصیلی؛ ساختن شخصیت دانش‌آموزان
۱۵	سعادت جامعه و پیشرفت کشور، ملت آموزش‌محور؛ پیشرفت جامعه، کشور در آینده و همراهی با جامعه دانش‌بنیان بین‌المللی	ارتقای آموزش به عنوان نیروی محرکه که سعادت کشور در آینده؛ ارتقای آموزش و تحقق اصول جدید آموزشی؛ تلاش جمعی برای تحقق اصول مربوط به آموزش؛ تقویت نقش هوش در انجام فعالیت‌های مشترک اجتماعی؛ عمل به وظایف آموزشی؛ تقویت همکاری‌های افقی برای ارتقای آموزش
۱۶	ایجاد فرصت‌های آموزشی پاسخگو برای رفع نیازهای مختلف جامعه	ترکیب آموزش مدرسه با آموزش‌های اجتماعی و اجتماعات محلی بهبود کیفیت آموزش با تلاش جمعی
۱۷	خلق جامعه سالم	تعهد اجتماعی نسبت آموزش؛ تلاش جمعی برای تشکیل جوامع
۱۸	کاربرد تعامل ابزار اجتماعی، فرهنگی	شناسایی صلاحیت‌های مورد نیاز و آموزش و اصول آموزش
۱۹	تعامل در گروه‌های نامتجانس اجتماعی	آموزش صلاحیت‌های کلیدی در جامعه دانش‌بنیان در تمامی مناطق آموزشی
۲۰	استانداردهای جهانی ایجاد محیط استاندارد	رعایت استانداردها در تمام مقاطع و تمام سطوح آموزش، اقدامات آموزشی در جهت استاندارد ارتقای توانایی‌های تحصیلی در سطح استاندارد جهانی،
۲۱	احترام به آزادی عمل	تشویق مناطق به هماهنگی و ارتقای همکاری در عمل در اقدامات آموزشی در عین آزادی عمل
۲۲	مشارکت داوطلبانه اجتماعات محل و نسل پرزاد و ولد از کار بازنشسته	ایجاد مکانیزم همکاری‌های آموزشی برای جذب مشارکت‌های داوطلبانه برای شهروندان عادی و بازنشستگان
۲۳	کمک‌های اجتماعی مدارس به شهروندان محلی	اجازه‌دادن به استفاده از ساختمان مدارس برای فعالیت‌های آموزشی اجتماعی تقویت اعتماد متقابل، ایجاد تعهد و ایجاد روابط جدید معنادار در آینده

ردیف	مؤلفه	مصادق
۲۴	تلاش جمعی کمک به مدارس	افزایش امکانات آموزش اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه شهروندان محلی
۲۵	پاسخگویی مؤثر به نیازهای اجتماعی	تلاش برای جلب همکاری اهالی کسب و کار در درک و کمک به آموزشی
۲۶	مواجهه صحیح با تحولات سریع اجتماعی و ایجاد مکانیزم اجتماعی در این راستا	استمرار در پیشرفت توانایی‌ها برای تحقق زندگی خوب و سالم در آینده تلاش برای آموزش کاربست آموخته‌ها در زندگی فردی و اجتماعی
۲۷	کمک‌های اجتماعات محلی	پرورش کودکان در انجام فعالیت‌های یادگیری مشارکتی
۲۸	تضمین آموزش با کیفیت، سازمان‌یافته	ارتباط روان بین مراحل و روزها، رشد ذهن پربار و بدن سالم آموزش زندگی شاد و مستقل
۲۹	توجه به آموزش و پرورش استثنائی کودکان و نیازهای کمک‌های ویژه	ارائه حداکثر آموزش به کودکان نیازمند کمک‌های ویژه رشد و مشارکت در آموزش افزایش پتانسیل کودکان استثنائی
۳۰	ایجاد و تقویت توانایی‌های علمی پایدار و استانداردهای تحصیلی در سطح بین‌المللی، فرصت تبادل بیشتر با خارجی‌ها در داخل و خارج از کشور	آموزش دانش و مهارت‌های پایه، توانایی تفکر منطقی انگیزه و عادات - یادگیری و توجه به استانداردهای تحصیلی همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌های مختلف
۳۱	توجه به رشد کودکان و کسب نقاط قوت برای زندگی و تجربیات مختلف آموزش سنت و فرهنگ ارتقای تربیت بدنی، سبک زندگی، عادات غذایی مطلوب	آموزش کودکان، تضمین امنیت کودکان، افزایش امکانات آموزشی آموزش معلمان و کارکنان و ارائه مداوم و توجه به سنت‌های ژاپنی و آداب و رسوم و هنرهای رزمی و سنتی و عادات غذایی مطلوب
۳۲	ارتقای بهبود امکانات کارورزی معلمان و اقدامات جامع برای ارتقای توانایی تحصیلی معلمان و برنامه درسی، بهبود کتب درسی ارزشیابی ملی پیشرفت تحصیلی اصلاحات خودمختار مدارس	افزایش امکانات آموزشی آموزش منابع انسانی اجرای دوره‌های آموزشی
۳۳	ارتقای نقش نظام آموزش عمومی	ارائه مقررات آموزشی جدید برای مدارس خصوصی ارتقای فعالیت‌های مدارس خصوصی کمک دولت از طریق یارانه به مدارس خصوصی
۳۴	ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر	تأمین فرصت تحصیلی برای کودکان که شایستگی طی مدارج تحصیلی را دارند، اما قادر به پرداخت‌های مالی نیستند آموزش‌های برابر، تقویت نگرش‌های مثبت در آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای
۳۵	تقویت مشارکت و همکاری میان مدرسه‌ای، خانواده و افراد محلی	ارتقای توانایی‌های آموزشی در سطح جامعه تقویت و ترویج فعالیت‌های منطقه‌ای نظیر ستاد منطقه‌ای برای کمک به مدرسه، انجام فعالیت‌های داوطلبانه با تعهد و فعال
۳۶	ایجاد مدارس منطقه‌ای شهروندمحور	اشتراک‌گذاری اطلاعات آموزش و پرورش و شهرداری‌ها درباره نمونه‌های موفق چنین تلاش‌هایی همکاری آموزش و پرورش با سازمان‌های خصوصی و هماهنگی‌هایی به عنوان پل ارتباطی بین مدارس و شهروندان محلی و گروه‌های مدنی

ردیف	مؤلفه	مصادیق
۳۷	احیای مدارس؛ اقدامات بهسازی مدارس	تقویت تلاش‌های مشترک با خانواده‌ها و شهروندان محلی، ارتقای سیستم دستمزد، ساده‌سازی، برون‌سپاری،
۳۸	تاسیس مدارس جامعه (سیستم شورای مدیریت مدرسه) در حقیقت ایجاد مدارس باز و قابل اعتماد	دادن اختیارات و مسئولیت‌ها به والدین، سرپرستان و شهروندان محلی در اداره مدرسه، ارتقای جایگاه مدارس توسط شهرداری‌ها و دولت (آموزش و پرورش)
۳۹	لذت بردن از تجارب دست اول و فعالیت‌های تبادلنی - ایجاد پایگاه امن و ایمن	اجرای برنامه پس از مدرسه برای کودکان کسب مشارکت اعضای جامعه از طریق همکاری همه وزارتخانه‌های ذیربط با آموزش و پرورش
۴۰	کسب تجربیات زندگی برای درک نعمت‌های طبیعت و غذا و ...	اجرای برنامه تجربه طبیعت، برنامه اردوی اقامتی یک هفته‌ای با کشاورزان، ماهیگیران و جنگلداران
۴۱	اقدامات مواجهه با اطلاعات مضر و محافظت از کودکان برای سلامت جامعه	همکاری آموزش و پرورش با همه وزارتخانه‌های ذیربط برای محافظت از کودکان در برابر اطلاعات مضر اینترنت، نشریات چاپی، ایمیل، تلفن همراه و فیلترشدن
۴۲	آموزش اخلاق، حقوق بشر، تشکیل جامعه برابر جنسی، موضوعات انرژی و .	آموزش برای افزایش درک عمومی از طریق خانواده‌ها مدارس و جوامع، توجه به مشکلات جوانان، آسیب‌های اجتماعی
۴۳	افزایش ابتکار عمل، افزایش تعهد جامعه	تشویق وزارتخانه و مناطق برای افزایش ابتکار عمل و تشکیل جلسات دوره‌ای بین شرکت‌ها و مربیان، ارتقای آموزش توجه به سیاست‌های تحقیقاتی، اتخاذ سیاست‌های استخدامی جدید
۴۴	ایجاد مدارس «خوب» مدرسه جامعه (سیستم شورای مدیریت مدرسه)	انجام تلاش‌های مشترک والدین، سرپرستان، شهروندان محلی و پشتیبانی آن‌ها به موجب قانون
۴۵	آموزش خانواده‌ها، بهبود محیط‌های ورزشی برای شهروندان محلی، زبان خارجی	ارتقای سطح آموزشی برای رشد متوازن بدن و ذهن از طریق تشویق روحیه استقلال و کوشش برای آموزش کسب عادات ضروری برای زندگی جلب همکاری و مشارکت همه وزارتخانه‌ها با وزارت آموزش و پرورش از طریق دولت جلب کمک‌های مشترک جامعه در امر آموزش در خانه آموزش جامع خانواده‌ها مشاوره با تک‌تک خانواده‌ها
۴۶	استقلال اجتماعی افراد ارتقای نشاط جامعه	تقویت منابع انسانی در مهد کودک‌ها، مراکز آموزش اعوان کودکی تقویت آموزش و دوره‌های آموزشی با افراد حرفه‌ای با همکاری اهالی کسب و کار
۴۷	افزایش علاقه کودکان به تولید کسب مهارت و کار و حرفه	اجرای برنامه تجربه زندگی و کار مشترک با مشاغل محلی، انجمن‌های اقتصادی و ... همکاری صنعت و دانشگاه‌ها با آموزش و پرورش جلب همکاری‌های سازمان‌های غیر انتفاعی

بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه که در مسیر توسعه و در راستای دستیابی به توسعه اجتماعی تلاش می‌کند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی را تقویت کند. آموزش و پرورش

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای توسعه اجتماعی در هر جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، در اسناد فرادستی آموزش و پرورش پرداختن به شاخص‌های توسعه اجتماعی برای حرکت در مسیر توسعه اجتماعی و در مجموع، توسعه همه‌جانبه ضروریست. براساس مطالعات انجام‌شده در این پژوهش در اسناد فرادستی آموزش و پرورش ایران و ژاپن رویکرد توسعه‌محور وجود دارد. با احصای گزاره‌های توسعه‌محور و جداسازی مؤلفه‌های توسعه‌محور با تأکید بر توسعه اجتماعی نیز با توجه به سؤال تحقیق مشخص شد که هر دو کشور در سیاستگذاری کلان خود در آموزش و پرورش نگاه توسعه‌محور داشته و مطابق با برنامه‌های توسعه و قوانین توسعه کلان ایران سیاست‌های تربیتی و آموزشی در وزارت آموزش و پرورش نیز توسعه‌محور است. با توجه به تأکید مقاله بر توسعه اجتماعی مؤلفه‌ها و عناصر مربوط به توسعه اجتماعی نیز احصا شد و یافته‌های پژوهش نشان داد که اسناد فرادستی پیشروترین نظام آموزشی جهان یعنی ژاپن به شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌خوبی و با عنایت و شفافیت تمام پرداخته است. در سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز به شاخص‌های مزبور پرداخته ولی کلی‌گویی و پیچیدگی‌های ذهنی و مفهومی و عدم ارائه مصداق مناسب سبب می‌شود؛ دستیابی به مقوله‌ها و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی برای مجریان سند نامفهوم و کلی به نظر برسد. به بیان دیگر، هر دو سند اشتراکات فراوانی دارند برای مثال، هر دو دارای رویکرد توسعه‌محورند، در هر دو سند به ارزش‌های اخلاقی در سطوح مختلف تأکید شده، ارتقای منابع انسانی، گسترش و کیفیت آموزش، جایگاه معلم، خانواده، دوره‌های آموزشی تخصص‌محور و... مسائلی از این دست که نگاه توسعه‌محور دارند و همچنین، مؤلفه‌های توسعه‌محور نظیر مسئولیت‌پذیری، مشارکت، تمایل به تحرک اجتماعی، اعتماد، نظم، همزیستی مسالمت‌آمیز، رفاه آموزش و اخلاق و... توجه شده است. لکن لزوم شفافیت بیشتر در ادبیات سند آموزش و پرورش ایران یکی از الزامات اجرایی کردن سند است و آنچه موجب اختلاف در دستیابی به توسعه اجتماعی است باید در ارائه مصداق و در صحنه عمل و تبیین و توجیه مؤلفه‌ها و عناصر مربوط به توسعه اجتماعی و در اجرا از طریق ذیربطان سند تبیین شود. برای روشن‌تر شدن این مفهوم به ارائه مثال بسنده می‌کنیم؛ در سند ایران از جامعه عدل مهدوی، موقوفات، انتظار، حیات طیبه،

آخرت و..... به میان آمده که مجریان برداشت‌ها و ادراکات متفاوتی می‌توانند از آن‌ها داشته باشند. در صورتی که در سند ژاپن از توازن بین زندگی و کار، زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران، جامعه پایدار، جامعه دانش‌نویان، ملت آموزش‌محور و مفاهیمی که شفاف و قابل فهم و درک بهتر بوده و برای تبیین و توجیه مفاهیم مصادیق بارزتری در اسناد سیاستگذاری آورده شده است. در نتیجه، باید متون نظری روان‌تر و ساده‌تر و مصادیق روشن‌تری در اسناد ایران بیان شود. سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی از نظر بار مفهومی در محور توسعه اجتماعی کاملاً غنی و جامع، ولی کلی‌گویی و عدم ارائه مصادیق اجرای سند را دچار چالش می‌کند. در مجموع، با بررسی و تحلیل محتوای متون اسناد سیاستگذاری کلان آموزش و پرورش دو ایران و ژاپن این نتیجه به دست آمد که در محتوای هر دو سند به مؤلفه‌ها و عناصر اصلی و زیربنایی توسعه اجتماعی که منجر به توسعه پایدار می‌شود توجه شده است. لکن ادبیات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش متفاوت با ادبیات به کار گرفته شده در اسناد سیاستی آموزش و پرورش ژاپن است. همچنین، مصادیق استفاده شده در اسناد ژاپن شفاف‌تر و قابل لمس‌تر است. پیشنهاد می‌شود کارشناسان که در ترمیم و به‌روزرسانی و اصلاح سند تحول در حال حاضر نقش دارند. مطالعه حاضر را بررسی کرده و در به‌کارگیری مفاهیم در متن به‌روزشده شفافیت بیشتری به کار گیرند.

منابع

- احمدوند، مصطفی، و شریف‌زاده، مریم (۱۳۹۰). بررسی تعیین‌کننده مشارکت‌های اجتماعی زنان روستایی (مطالعه بویراحمد). *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان - مطالعات زنان*، ۹(۳)، ۱۶۵-۱۳۹.
- اعظم آزاده، منصوره، و مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۱)، ۵۵-۳۱.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰ الف). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۷، ۳۱-۳.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کلمه.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰ ب). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
- اسدپور، عهدیه، انتظاری، علی، و احمدی‌آهنگ، کاظم (۱۳۹۷). مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۳)، ۸۶-۶۷.
- استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناس*. ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- بابائی‌فرد، اسدالله (۱۳۸۹). *توسعه فرهنگی، اجتماعی در ایران*. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷)، ۵۰-۱.
- برارپور، کورش (۱۳۸۷). سنجش وضعیت پایداری توسعه محلی در کلاردشت با استفاده از یک الگوی راهبردی. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳(۶)، ۱۹۲-۱۷۳.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۶). *فرهنگ و توسعه*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- جباری، حبیب (۱۳۸۲). *توسعه اجتماعی و اقتصادی دو روی یک سکه؟ سیاست اجتماعی*، ۱۰، ۷۹-۵۵.
- حقیقی، ایمان (۱۳۹۰). *توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن*. راهبرد یاس، ۱(۴)، ۳۴۷-۳۲۵.

- دهقان، علیرضا، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران-انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۱، دوره ۶، صص ۶۷-۹۸.
- صفریان، روح‌الله، و امام‌جمعه زاده، سیدجواد (۱۳۹۶). الگوی حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، توسعه همه‌جانبه. دولت‌پژوهی، ش ۱۲، صص ۱۴۵-۱۸۱.
- طالبی، بهنام؛ سیدنظری، نیر، و سودی، حورا (۱۳۹۶). مدل ادراکی سیاستگذاری در آموزش و پرورش ایران. رهیافت، ۲۷(۶۵)، ۱۱۳-۱۳۰.
- هولستی، اوله آر. (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و علوم انسانی. ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۲). اصلاحات آموزشی و مدرن‌سازی؛ با تأکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن. تهران: نشر روزنگار.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلانیت و آینده توسعه‌نیافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شفیعا، سعید (۱۳۸۳). ارتباط ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونتگاه‌های غیر رسمی با توسعه پایدار. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شمعدانی حق، علی (۱۳۷۸). ابعاد روش‌شناختی توسعه اجتماعی. همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فلاح نودهی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران ۸۵-۱۳۸۳. رفتار، ۱۶(۳۶)، ۵۵-۶۸.
- قوتی سفیدسنگی، علی، فراشینی، حسین، و حسن‌زاده کوچانلو، حسین (۱۳۹۶). بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنجگانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۶۸-۱۳۹۴. توسعه اجتماعی، ۱۲(۱)، ۱۵۱-۱۸۴.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کاظم‌پور، اسماعیل، و باباپور واجاری، مریم (۱۳۹۶). تأثیر آموزش صلح بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸(۴)، ۸۳-۶۵.

- کلاتری، خلیل (۱۳۷۷). مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی. *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، ۱۳۲-۱۳۱، ۲۰۸-۲۱۳.
- گل محمدی، علی، و ماکوتوهاچی اوشی (۱۳۸۹). توسعه یافتگی ژاپن، زمینه‌های تاریخی-اجتماعی. *دین و ارتباطات*، ۱۸(۱)، ۱۱۱-۱۴۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات نی.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات روان.
- عطار، سعید (۱۳۹۱). ژاپن و امر توسعه: نگاهی به برنامه‌ریزی و قانون برنامه توسعه در فرایند توسعه ژاپن. *سیاست*، ۴(۴۲)، ۱۵۲-۱۴۵.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشرنی.
- نسترن، مهین، و هادی‌زاده زرگر، صادق (۱۳۸۶). *سنجش پایداری اجتماعی در سطح محلات گوهردشت و شادشهر مشهد. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۶۱، ۱۹۹-۱۱۰.
- متقی، سمیرا (۱۳۹۶). *واکاوی شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران. مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۰(۲) و ۳، ۱۸۳-۲۰۵.
- موسایی، میثم (۱۳۸۸). *رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی*. راهبرد یاس، ش ۲۰.
- مورن، ادگار (۱۳۸۲). *هویت انسانی*. ترجمه امیر نیکپی و فائزه محمدی، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). *مبانی تفکرات اقتصادی و توسعه ژاپن: تداوم و تغییر*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ناطق‌پور، محمدجواد، و گلابی، فاطمه (۱۳۸۵). *تاثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی با تأکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی. جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۱، ۳۴-۱.
- نوابخش، مهرداد، رضایی، محمد، و رحیمی، ماریا (۱۳۸۵). *بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه ایلام)*. *مطالعات شناختی شهری، مطالعات شهری*، ۴(۱۰)، ۲۷-۱.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۷۱). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات رایزن.
- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶). *موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی*. *مجله رفاه اجتماعی*، ۷(۲۶)، ۱۳۰-۱۰۵.

Archer, M. (2001). *Being human, the problem of agency*. Sage Publication.

Bito, M. (1991). Thought and religion: 1550-1700. In the Cambridge History of

- Japan: Early Modern Japan. John Whitney Hall and other, Vol.4, Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1977). *Outline of a theory of practice*. Cambridge Studies in Social and Cultural Anthropology.
- Bühler, J. L., & Nikitin, J. (2020). Sociohistorical context and adult social development: New directions for 21st century research. *American Psychologist*, 75(4), 457-571.
- Education Reform Plan for the 21st Century – The Rainbow Plan, Ministry of Education, Science and Culture (Monbukagakusho, or MEXT), 2001, www.mext.go.jp/english/topics/21plan/010301.htm, March 2001.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity*. Cambridge: Polity Press.
- Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2004). Does culture affect economic outcomes? *Economic Perspectives*, 5(4), 40-53.
- Guo, R. (2006). *Cultural influences on economic analysis theory and empirical evidence*. Palgrave Macmillan.
- Harrison, L., & Huntington, S. (2000). *Culture, matters: How values shape human progress*. Basic Books, A Member of the perus Group.
- Jenkins, R. (1996). *Social Identity*. London: Routledge.
- Lee, H. Y., Jang, S. N., Lee, S., Cho, S. I., & Park, E. O. (2008). The relationship between social participation and self-rated health by sex and age: A cross-sectional survey. *International Journal of Nursing Studies*, 45(7), 1042-1054.
- Morton, W. S. (1994). *Japan: Its history and culture*. 3rd., McGraw Inc.
- OECD (2014). *TALIS 2013 results: An international perspective on teaching and learning*. Paris: OECD Publishing.
- Opstoel, K., Chapelle, L., Prins, F. J., De Meester, A., Haerens, L., van Tartwijk, J., & De Martelaer, K. (2020). Personal and social development in physical education and sports: A review study. *European Physical Education Review*, 26(4), 797-813.
- Phlips, D. L. (1967). Mental health Status Social Participation and happiness. *Health and Social behaviour*, 18, 285-291.
- Poltarykhin, A., Nosov, V., Poletaeva, L., Avdotin, V., Grishin, V., & Babakisiyev, M. (2020). Problems of the ecological system in Russia and directions for their solution based on economic and social development programs. *Environmental Management & Tourism*, 10(4), 508-514.
- Riggs, F. W. (1984). Development. In Sartori . Giovanni (ed.). *Social Sciences _ Concepts*, London: Sage Publications.
- Siven, N., & Thierry, D. (2011). Social capital and Health of older Europeans from Revers Causality to Health Inequalities. *Social Science Medicine*, 75(5).
- Terziev, V. (2020). Dependencies between social programming as a basis of regulating social development and the concept of controlling. Available at SSRN 3518422.
- Vogelgesang, J. (2016). Is the influence on government size on social welfare different among lesser developed .developing and more developed nations? An economic panel analysis? at www.antolindavies.com/theses/Vogelgesang.docx.
- Wood, K. R., Wood, E., Gottardo, A., Archer, K., Savage, R., & Piquette, N. (2020). Workshop training to facilitate parent-child instructional opportunities for reading and social development with kindergarten students. *Research in Childhood Education*, 1-20.